

۱. برای اطلاع از شرح حال موسی بن محمد بن علی بن موسی الرضا علیه السلام مراجعه فرمایید به: اصول کافی، ۱/۴۲۰، ۵۰۲؛ ارشاد مفید، ۲/۲۹۵، ۳۰۷؛ الاصلی، ص ۱۵۷؛ التذکره فی الانساب المطهرة، ص ۱۱۵؛ مناقب ابن شهر آشوب، ۴/۴۰۹؛ اعلام الوری، ص ۳۴۵؛ المجدی، ص ۳۲۳؛ الفخری، ص ۹؛ عمدة الطالب، ص ۲۳۰؛ الشجرة المباركة، ص ۷۸، ۸۱؛ معالم انساب الطالبین، ص ۱۴۷؛ تهذیب الانساب، ص ۱۴۸ - ۱۴۹؛ الجوهر الشفاف فی انساب سادة الاشراف، ۱/۱۶۱؛ النفحة العنبرية، ص ۶۶؛ مناهل الضرب، ص ۴۲۲؛ سراج الانساب، ص ۷۲؛ تحفة الازهار، ۳/۴۲۹؛ ریاض المحدثین، ص ۸۱۴؛ منتهی المقال، ۶/۳۵۷؛ معجم رجال الحديث، ۱۹/۷۵؛ بحار الانوار، ۱۵۷/۵۰ - ۱۶۰ و ۲۲۰/۵۷ و ۲۷۴/۹۹؛ منتهی الآمال، ۲/۱۹۹، ۶۲۰؛ انوار المشعشعین، ۲/۲۹۷، ۳۰۲ و ۵۰۹/۳ - ۵۱۲؛ الكواكب المشرقة، ۳/۵۹۴ - ۵۹۵؛ تاریخ قم، ص ۲۱۵ - ۲۲۰؛ البدر المشعشع فی احوال ذریة موسی المبرقع؛ اضاءة علی حیاة موسی المبرقع و ذریته؛ شجرة طیبه در انساب سلسله سادات علویة رضویة، تألیف میرزا محمدباقر رضوی، به کوشش سید محمد تقی مدرس رضوی، تهران، ۱۳۵۲ ش.

۲. البدر المشعشع، ص ۱-۵.

۳. با اینکه در «تاریخ قم» و در دیگر منابع مانند: «بحار الانوار»؛ «بدر مشعشع» و «منتهی الآمال» و امثال اینها گفته شده که اولین کس از سادات رضویة، موسی بن محمد مبرقع بوده است که از کوفه به قم آمده است، مرحوم فیض در «گنجینه آثار قم» این ادعا را منکر شده و آن را با مستندات چندی رد کرده است و نوشته است که وی هیچگاه به قم نیامده و پس از اینکه در سال ۲۴۴ قمری، به دعوت متوکل عباسی از مدینه به بغداد آمد، تا سال ۲۴۷ قمری که متوکل به قتل رسید در بغداد ماند و پس از این ماجرا به کوفه هجرت کرد و تا پایان عمر خویش در کوفه ماند و اگر وی به قم آمده بود، صاحب «تاریخ قم» به هجرت وی و ورود او به قم، اشارتی می‌کرد، در حالی که وی هیچ سخنی در این مورد نگفته است. سپس می‌افزاید که به هشت دلیل وی به قم نیامده، بلکه فرزندش محمد بن موسی بن محمد مبرقع است که به قم آمده است و در قم وفات یافته، زیرا که اولاً «ابوجعفر» کنیه محمد بن موسی است و کنیه موسی ابواحمد است و دیگر اینکه زینب، ام‌محمد و میمونه خواهران محمدند که پس از وی به قم آمده‌اند و دختران موسی، بنابراین ابوجعفر محمد بن موسی اولین کس از سادات رضاییه است که به قم آمده‌اند و سه دیگر اینکه لقب «مبرقع» از آن محمد است نه از آن موسی و چهارم اینکه در عبارات ترجمه «تاریخ قم» تشویش وجود دارد، زیرا آنجا که از دفن موسی در این سرایی که در قم است خبر داده، با اینکه زینب و میمونه دختران موسی هستند، آنها را خواهران وی خوانده است و این نشان می‌دهد که مدفون در این سرای محمد است نه موسی (گنجینه آثار قم، ۲/۵۴۶-۵۵۴). در مورد محمد بن موسی مبرقع و شرح حال وی نگاه کنید به: الاصلی، ص ۱۵۷؛ المجدی، ص ۱۲۹؛ الشجرة المباركة، ص ۸۱؛ معالم انساب الطالبین، ص ۱۴۷؛ التذکره فی الانساب المطهرة، ص ۱۱۵؛ عمدة الطالب، ص ۲۳۰؛ سراج الانساب، ص ۷۵؛ تحفة الازهار، ۳/۴۲۹؛ النفحة العنبرية، ص ۶۶؛ مناهل الضرب، ص ۴۲۲؛ الجوهر الشفاف فی انساب السادة الاشراف، ۱/۱۶۱؛ انوار المشعشعین، ۲/۳۶۸؛ الكواكب المشرقة، ۳/۵۰۳؛ منتهی الآمال، ۲/۱۹۹، ۶۲۰؛ البدر المشعشع، ص ۱-۲. اضافه بر کتابهای «بدر مشعشع»؛ «بحار الانوار» و «منتهی الآمال» سایر منابع نیز، اولین کس که از سادات «رضویه» یا «رضاییه» به قم آمده و در آنجا مدفون شده، موسی بن محمد معرفی کرده‌اند.

تحفة الفاطمیین فی احوال قم و القمیین

تألیف حسین بن محمد حسن قمی
تحقیق علی رفیعی علامرودشتی

بخش یازدهم

فصل سیم:

در ذکر امامزاده عالی‌مقام حضرت موسی بن محمد المبرقع^۱ و ذکر احفاد و اعقاب و ذریه او:
حاج میرزا حسین نوری - علیه الرحمه - در کتاب بدر مشعشع^۲ می‌فرماید که شیخ فاضل خبیر ماهر حسن بن محمد حسن القمی که معاصر شیخ صدوق - علیه الرحمه - است در کتاب قم که مشهور است به: تاریخ قم و به جهت کافی الکفات صاحب بن عبّاد نوشته، می‌فرماید که از جمله سادات «رضاییه» که وارد قم شدند از فرزندان حضرت امام رضا علیه السلام موسی بن محمد بن علی الرضا علیه السلام است. اول کسی که از سادات رضویه که به قم آمدند از کوفه ابوجعفر موسی بن محمد بن علی بن موسی الرضا علیه السلام است و در سنه دو بیست و پنجاه و شش از کوفه به قم آمده و به قم مقام گرفت و پیوسته برقع بر روی فرو می‌گذاشتی،^۳ تا آنگاه که

میراث شهاب

آن شما نیست، ملک و زمین از آن خداست، هر کس که خواهد در آن فرود آید، پس عرب عذر خواستند و او را از خود خوشنود کردند و گرمی داشتند و ابوعلی محمد بسیار مردی فاضل بوده است و به غایت پرهیزکار و خوش محاوره و خوش منظر و فصیح و دانا و عاقل.

و روایت کند احمد بن اسماعیل بن سمکه نحوی که چون ابومسلم محمد بن بحر اصفهانی والی و عامل قم شد، هر روز جمعه بر مرکب نشستی و به زیارت رؤسای قم رفتی و حقوق ایشان را بگذاردی و حرمت داری کردی، اتفاقاً روز جمعه سوار شد و من در صحبت او بودم؛ ابتدا کرد به زیارت ابوعلی محمد بن الرضا، چون به صحبت او درآمد، ابوعلی موضعی پاکیزه نشسته بود و جامه های سبز پوشیده، بر ابوعلی سلام کرده و اکرام نموده و سعی او را شکر گفت. چون ابومسلم از صحبت او بیرون آمد، سرای عبدالله بن عباس علوی رفت، چون به در سرای او رسید، فرود آمد و در صحبت او رفت و او را بدید، در سرای خود نشسته و گرد بر گرد او قفس های قمریان و مرغان نهاده بودند، ابومسلم سلام کرد و باز گردید و آمد تا به سرای سهل بن ابی طاهر اشعری و او را نیز، بدید و زیارت کرد و حق او را بگذارد، پس بر مرکب نشست و آمد تا به صحبت علی بن احمد بن علی الشجری و او را سلام داد و زیارت کرد و باز گردید و مرا گفت: ای اباعلی! تشبیه نمی کنم اباعلی یعنی محمد اعرج ابن الرضا را در سکون و نشستن و فضل الآ به ائمه علیهم السلام و عباس علوی را تشبیه نمی کنم مگر به مردمان که ایشان را دیده ام به بغداد، به درب طاق، پس چرا شما به امامت ابی علی قائل نمی شوید و او را امام نمی دانید؟ با وجود اینکه جمیع خصلت های خیر در او جمع و موجود است! من گفتم: معاذ الله که ما

عرب قم بدو پیغام فرستادند که تو را از مجاورت و همسایگی ما باید بیرون رفتن! پس ابوجعفر موسی بن محمد از قم به کاشان رفت، چون به کاشان رسید، احمد بن عبدالعزیز بن دلف العجلی، او را اکرام کرد و ترحیب نمود و خلعت های بسیار و بارگیرهای نیکو و چندین تجمل بدو بخشید و مقرر گردانید که هر سال یک هزار مثقال طلا با یک رأس اسب مسرّج بدو بدهد. پس ابوالصدیم حسین بن علی [بن] آدم و یکی دیگر از رؤسای عرب در عقب او بیرون آمدند و حال موسی مبرقع را پرسیدند و اهل قم را به سبب بیرون کردن موسی توبیخ کردند؛ پس رؤسای عرب را به طلب موسی فرستادند تا شفاعت کردند و او را به قم باز آوردند و بسیاری اعزاز و اکرام کردند و از مال خود از برای او سرای بخریدند و همچنین چند سهم از قریه «هنبرد» و «اندریقان» و «کارجه» که این سه قریه از قراء تفرش است، از برای او از ورثه مزاحم بن علی اشعری بخریدند به دویست هزار درهم از برای او قسمت کردند و بدو دادند و وظیفه سالیانه، از برای او معین کردند، چنانچه مستغنی شد و به قم متوطن شد و بعد از آن خواهرانش زینب و ام محمد و میمونه دختران حضرت امام محمد بن علی علیه السلام در طلب او از کوفه به قم آمدند و موسی المبرقع در قم مقیم بود و از آنجا به جایی دیگر نرفت، تا آنگاه که او را وفات رسید و در شب [چهارشنبه] آخر ماه دی، هشت روز به ماه ربیع الآخر مانده، در سنه دویست و نود و شش هجریه و او را در سرایی که معروف بدو بوده، دفن کردند و الیوم هم مشهد او می باشد و در قدیم آن سرا معروف بوده است به محمد بن الحسن بن ابی خالد الاشعری، ملقب به «شیبوله» و اول کسی را که بدین سرای دفن کردند موسی بن محمد بن علی بن موسی بود، بعد از آن میمونه دختر موسی وفات یافت و او را به مقبره بابلان دفن کردند و قبه ای که به قبه فاطمه معصومه ملاصق است، بر سر تربت او بنا نهادند و خواهر او زینب بنت موسی از او میراث گرفت و بعد از آن ابوعلی محمد بن احمد بن موسی بن محمد بن علی الرضا علیه السلام از کوفه به قم آمد با بعضی از دختران خود فاطمه و ام سلمه.

چون ابوعلی محمد به قم رسید عرب قم در اعزاز و اکرام او مبالغه کردند و گویند که عرب بدو پیغام فرستادند که باید از شهر ما بیرون بروی، ابوعلی در جواب گفت که این شهر از

۱. در مورد شرح حال ابوعلی محمد بن احمد بن موسی بن محمد بن علی الرضا علیه السلام که پسر عم محمد بن موسی مبرقع است، نگاه کنید به: الاصلی، ص ۱۵۷؛ التذکره فی الانساب المطهره، ص ۱۱۵؛ تهذیب الانساب، ص ۱۲۹؛ الشجرة المبارکة، ص ۸۱؛ المجدی، ص ۱۲۹؛ عمدة الطالب، ص ۲۳۰؛ سراج الانساب، ص ۷۵؛ لباب الانساب، ۵۸۶/۲؛ مناهل الضرب، ص ۴۲۲؛ معالم انساب الطالبین، ص ۱۴۷؛ الجوهر الشفاف فی انساب السادة الاشراف، ۱۶۲/۱؛ النفحة العنبرية، ص ۶۷؛ بحار الانوار، ۲۲۰/۵۷؛ انوار المشعشعین، ۲۶۷/۲، ۳۰۳-۳۰۶، ۳۱۹، ۳۲۰؛ الکوکب المشرقة، ۱۳۵/۳؛ منتهی الآمال، ۶۲۰/۲؛ البدر المشعشع، ص ۲-۵.

به غیر از ائمه دوازده‌گانه که امامت ایشان محقق است و دوستی ایشان ما را واجب و لازم است و بدان اعتقاد داریم و دیگری را امام نمی‌دانیم.^۱

و ابوعلی را خدا در قم دو دختر که «بریهیه» و «ام کلثوم» باشد، عطا فرمود^۲ و بعد از ایشان ابو عبدالله احمد در وجود آمد و ابوعلی در روز سیم ماه ربیع‌الاول سنه سیصد و پانزده در قم وفات نمود و او را در مقبره محمد بن موسی دفن کردند^۳ و از پسران او اباعبدالله احمد و از دختران فاطمه و ام کلثوم و ام سلمه و بریهیه از پس وفات او بازماندند و بعد از وفات او خواهرش ام حبیب دختر احمد از کوفه به قم باز آمد و با فرزندان برادرش به قم بود و بعد از آمدن او زینب دختر محمد بن موسی وفات یافت و او را در مشهد برادرش محمد بن موسی دفن کردند و ام محمد بنت احمد از او میراث گرفت و ام محمد در سنه سیصد و چهل و هشت، در قم وفات یافت و او را در مشهد محمد بن موسی دفن کردند و فرزندان برادرش ابو عبدالله و فاطمه و ام سلمه و بریهیه [بریهیه] و ام کلثوم از او میراث برداشتند. پس از آن ترکه او به ابی عبدالله و فرزندان او دادند و در سنه سیصد و چهل و سه، فاطمه دختر محمد بن احمد وفات یافت و او را در مشهد محمد بن موسی دفن کردند و ام سلمه از او میراث برداشت.^۴

بعد از آن بریهیه بنت محمد بن احمد وفات یافت و او را در مشهد محمد بن موسی دفن کردند و ابو عبدالله رئیس و متصرف املاک و اموال محمد بن موسی به دست آورده بود گشت و ابو عبدالله مردی سخی و کریم‌الطبع بوده است و به دل‌های مردم نزدیک و نقابت علویه، بعد از وفات ابوالقاسم علوی بدو موقوف بوده است تا اینکه در سنه سیصد و پنجاه و هشت او را وفات رسید و مدت عمر او چهل و شش سال بوده و در مشهد محمد بن موسی مدفون است و به وفات او مردمان قم را مصیبتی تمام بوده و از او چهار پسر: ابوعلی محمد و ابوالحسن موسی و ابوالقاسم علی و ابومحمد الحسن و چهار دختر از او بازمانده‌اند و پسران بعد از وفات پدر قصد رکن‌الدوله دیلمی را کردند به شهر ری و رکن‌الدوله ایشان را تسلی بداد و در حق ایشان رعایت فرمود، پس از آن به قم مراجعت نمودند.^۵

بعد از آن ام سلمه بنت محمد بن احمد وفات یافت و او را در مشهد محمد بن موسی دفن کردند و ام کلثوم ترکه او را برداشت و از فرزندان محمد بن احمد به غیر از ام کلثوم کسی نمانده بود و پسر برادرش ابوعلی محمد بن احمد املاک ام سلمه را به ام کلثوم داد و از آن املاک و اموال که به قسط به ابوعلی رسیده بود، به تدبیر و اسراف تلف کرد و املاک را مجموع بفروخت و پس از آن به ناحیت خراسان برفت، مردم خراسان او را اکرام کردند و به صحبت و زیارت او رفتند و قدر و شرافت و حق او را شناختند و به خراسان مقیم بود، تا او را پنهان بگشتند.

بعد از آن ام کلثوم بنت محمد بن احمد، در قم وفات یافت و او را در مشهد محمد بن موسی در قبه برادرش ابوعلی دفن کردند و پسر برادرش ابی عبدالله از او میراث یافت و ابوالقاسم بن ابی عبدالله، به خراسان رفت، بعضی از رؤسای خراسان با او وصلت کردند و ابوالقاسم به طوس، وطن گرفت و کار او نیکو شد و دو پسر و یک دختر آورد^۶ و ابوالحسن موسی بن احمد تنها به قم بماند و به کار برادرش ابی محمد و خواهرانش قیام نمود و املاک که از پدرش بازمانده بود، به دست آورد و با مردم قم، به وجه احسن زندگانی و معیشت کردی و حقوق ایشان را رعایت نمودی تا مردم قم به صحبت او میل نمودند و او سرور و رئیس ایشان شد و مؤیدالدوله و فخرالدوله دیلمی قدر او را بشناختند. در سنه سیصد و هفتاد به حج رفت و ملک عضدالدوله و تاج‌الدوله قدر او را بشناختند و چون حج خانه خدا را بگذارد، به مدینه باز آمد و بر پسر عثمان خود شفقت نمود و در سنه سیصد و هفتاد و یک، به قم رسید و مردم قم، به قدوم او بشارت دادند و کافی الکفات صاحب بن عباد بدو نامه نوشت و او را به معاودت از حج خانه خدای تعالی و مراجعت به شهر و منزل خود تهنیت فرمود و ابوالحسن موسی بن احمد^۷

۱. البدر المشعشع، ص ۳.

۲. البدر المشعشع، ص ۳.

۳. همان.

۴. همان، ص ۴.

۵. البدر المشعشع، ص ۴.

۶. همان، ص ۵.

۷. برای شرح حال وی مراجعه کنید به: تهذیب الانساب، ص ۱۴۹؛ لباب الانساب، ۵۸۶/۲؛ الاصلی، ص ۱۵۷؛ الشجرة المباركة، ص ۸۱.

میراث شهاب

به شوهر نمی‌داده‌اند، تا غایت که این معنا در میان ایشان عادت شده است و حضرت امام محمد تقی جواد علیه السلام ده دینه وقف کرده است بر دختران و خواهران خود که شوهر نکرده‌اند و از ارتفاعات این دینه‌ها، نصیب و قسط کرده رضائیه را که در قم ساکن بوده‌اند و از مدینه جهت ایشان آورده‌اند.^۷

پس واضح و روشن و هویدا و مبرهن شد که سلسله علیّه جلیله رضویه که منتهی می‌شود، به موسی مبرقع، بلکه به پسر موسی احمد، چه از محمد بن موسی برادر احمد فرزندی نماند.

در قدیم الایام معروف و مشهور در بلده طیبه قم که دارالایمان و محل امان شیعیان و مجمع علما و محدثین و کشف ذریه طیبه بود، ممتاز و سربلند، بلکه به نقابت و ریاست سادات علویه از حسنیّه و حسینیّه و موسویّه که در قم و آبه و کاشان و نواحی آن بلاد متوطن بودند و مفتخر بودند و رسومات و وظایف آن جماعت، به دست ایشان، بلکه وزراء عظام و فقهای کرام با قرب جوار و اطلاع بر خفایا و اسرار، با ایشان مواصلت و مناکحت می‌کردند و از ایشان بود عالم جلیل و سید نبیل عبیدالله بن موسی که علمای اعیان و بزرگان دین او را در سلسله علما ذکر نموده‌اند و او را به سیادت و علم و فضل و زهد و ورع و رضویت ستوده‌اند.

مردی فاضل و متواضع و متخلّق و سهل‌الجانب بوده است با عنفوان جوانی و حوادث سنّ نقابت سادات علویه به شهر قم و نواحی آن بدو مفوض بوده است و قسمت و وظایف و رسوم و مرسومات و مشاهرات سادات آبه و قم و کاشان مجموع، به دست و اختیار و فرمان او بوده و عدد ایشان در آن زمان از مردان و طفلان سیصد و سی و یک نفر بوده است و وظیفه هر یک از ایشان در ماهی سی من نان و ده درم نقره بوده است و هر یک از ایشان که وفات یافته است نام او را از کتاب مشاهره طرح کرده‌اند و نام آن کس از ایشان که در وجود آمده است، به جای او نوشته‌اند و ابوالحسن را از امّ ولد^۱ پسری بوده است، نام او ابو جعفر محمد و دختری دیگر از امّ ولد و ولد دیگر ابوعبداللّه احمد.

و ابوالحسن به زیارت جدّ خود حضرت رضا علیه السلام مشرف شد و در سنّه سیصد و هفتاد و پنج وفات یافت و برادرش ابومحمد حسن بن محمد بن احمد،^۲ مردی بوده است متادّب و فاضل و پیوسته حق‌گذار بوده.^۳

مؤلف گوید که: حاجی نوری - علیه‌الرحمه - می‌نویسد که چون مؤلف تاریخ قم، در عصر سبط او ابوالحسن موسی بوده، لهذا اعقاب او در آنجا ذکر نشده و از اولاد این ابوالحسن موسی، عالم جلیل عبیدالله است که در کتاب «منتجب» در حق او فرموده: «السید العالم عبیدالله بن موسی بن احمد بن محمد بن احمد بن موسی بن محمد بن علی بن موسی بن جعفر بن محمد بن علی بن الحسین بن علی بن ابی طالب علیه السلام»^۴ ثقة، ورع، فاضل، محدّث، له کتاب: انساب آل الرسول و اولاد البتول؛ کتاب فی الحلّ و الحرام؛ کتاب الادیان و الملل.^۵

و در کتاب تاریخ قم، مذکور است که ذریه طیبه حضرت موسی المبرقع، در قدیم معروف به «رضائیه» بوده‌اند، چنانچه در حالات حضرت جواد علیه السلام گفته عدد اولاد او: علی العسکری علیه السلام و موسی جدّ رضائیه، به قم و خدیجه و حکیمه و امّ کلثوم و مادر ایشان امّ الولد بوده.^۶

و نیز در آن تاریخ فرموده که: رضائیه دختران خود را به شوهر نمی‌دادند، زیرا که کسی همسر و هم‌کفو ایشان بود نمی‌یافتند و حضرت موسی بن جعفر علیه السلام را بیست و یک دختر بوده است و از این جهت هیچ‌یک از ایشان را

۱. در اصل: «امّ بلد».

۲. در اصل: «ابوالحسن بن محمد احمد».

۳. تاریخ قم، ص ۲۱۵ - ۲۲۰؛ بدر مشعشع، ص ۱ به بعد.

۴. عبیدالله بن موسی بن احمد بن محمد بن احمد بن موسی بن محمد بن

علی بن موسی بن جعفر بن محمد بن علی بن الحسین بن علی بن ابی طالب علیه السلام عالم و فقیه و متکلم و از بزرگان سادات رضویه و از احفاد موسی مبرقع، تاریخ تولد و وفات وی دانسته نیست. در برخی منابع او را از کسانی به‌شمار آورده‌اند که از شیخ مفید عبدالرحمن بن احمد نیشابوری روایت کرده است و بعضی هم به اشتباه او را از احفاد سید احمد بن موسی الکاظم علیه السلام معروف به «شاه چراغ» دانسته‌اند: فهرست منتجب‌الدین، ص ۷۸؛ امل‌الأمّل، ۱۶۸/۲؛ ریاض‌العلماء، ۳۰۵/۳ - ۳۰۶؛ تنقیح‌المقال، ۲۴۱/۲؛ جامع‌الروایة، ۵۳۰/۱؛ الکواکب‌المشرقة، ۳۹۲/۲؛ معجم رجال‌الحديث، ۸۶/۱۱؛ فوائد‌الرضویه، ص ۲۶۲؛ منتهی‌الآمال، ۶۲۱/۲ - ۶۲۲؛ منتهی‌المقال، ۲۸۹/۴ - ۲۹۰؛ شجرة طيبة، ص ۳۳ - ۳۷.

۵. فهرست منتجب‌الدین، ص ۷۸.

۶. تاریخ قم، ص ۲۰۱ و نک: مجالس‌المؤمنین، ۱۴۶/۱.

۷. تاریخ قم، ص ۲۲۱.

فصل چهارم:

در ذکر بقعه مبارکه‌ای که واقع است در محله موسویان و مشهور است به بقعه چهل دختران^۱ و ذکر مدفونین این بقعه مبارکه و نبذی از فضائل حضرت موسی المبرقع (ع):

مخفی نماند که بقعه حضرت موسی المبرقع که واقع است در محله موسویان و در آنجا دو بقعه می‌باشد، یکی بزرگ و یکی کوچک و بین این دو بقعه تقریباً پانزده گام فاصله است.^۲

در بقعه کوچک دو صورت قبر است، یکی از آنها قبر حضرت موسی المبرقع است که فرزند بلا واسطه حضرت امام محمد تقی (ع) است، چنانکه در کتاب عمدة الطالب فی انساب آل ابی طالب (ع) [مذکور است که موسی المبرقع به قم آمد و قبرش در قم می‌باشد و اولادهای او را «رضویون» می‌گویند و اولادهای او در قم می‌باشد مگر کمی از آن‌ها که در غیر قم هستند و شیخ کلینی در کتاب کافی روایت کرده است در آن نسخه وصیت‌نامه‌ای که حضرت امام محمد تقی (ع) نوشت. حضرت موسی المبرقع را در آن وصیت گواه گرفت و در آن تصریح شده که موسی از جانب پدر بزرگوار خود حضرت جواد (ع) مستقلاً متولی بود بر جمله‌ای از موقوفات آن حضرت بی‌مشارکت احدی.^۳

و حاجی نوری در کتاب بدر مشعشع می‌فرماید که این موسی همان است که از کثرت فضایل و مناقب و تقوا و سکون^۴ نفس و حسن رفتار والی قم او را تشبیه به ائمه کرده و او را قابل امامت می‌دانست و باز در همان کتاب می‌نویسد که حضرت حجة الاسلام حاجی میرزا حسن شیرازی فرمودند که اولادهای موسی المبرقع غالباً در قم وری بودند و از آنجا به قزوین و همدان و خراسان و کشمیر و هندوستان و سایر بلاد منتشرند و الآن هم در بلاد از اعظم و اعزّه طوایف سادات و اشراف‌اند.^۵

و در کتاب مجالس المؤمنین مذکور است که نسب شریف سادات عظام رضویّه مشهد مقدس منور و سادات رضویّه قم، مجموع به ابی‌عبدالله احمد نقیب بن محمد الاعرج بن احمد بن موسی المبرقع بن الامام محمد التقی

الجواد (ع) [منتهی می‌شود و سید نقیب امیر شمس‌الدین محمد که به سیزده واسطه به ابی‌عبدالله احمد نقیب قم می‌رسد و در زمان سلطنت شاهرخ میرزا بن امیر تیمور گورکانی از مدینه قم به مشهد مقدس آمد و میرزا ابوطالب مشهور از اولاد امجاد اوست و الحال فرزندان

۱. بقعه یا مزار چهل دختران و یا چهل اختران که در شرق شهر قم و در خیابان آذر، کوچه چهل اختران واقع شده، مرکب است از سه بنا و عمارت که پیش از این در دو صحن جداگانه قرار داشته و در سده گذشته، عرصه آن دو را به یکدیگر پیوسته‌اند و هر سه بنا را گرد یک صحن قرار داده‌اند. این ابنیه از آثار خوب سده‌های نهم و دهم هجری هستند که به ترتیب قدمت به آنها در جای خود اشاره خواهیم کرد.

نخستین بنا منسوب است به: شاهزاده زید بن علی (ع) که از سر در بقعه پیداست و در ضلع غربی صحن چهل اختران قرار گرفته با دهانه ۳ و بلندی ۳/۵ متر و در سال ۸۴۷ قمری، ساخته و پرداخته شده است. و در پیشانی این سر در کتیبه‌ای به خط ثلث در پنج سطر است که در ابتدا حدیثی از پیامبر اکرم (ص) است و بعد کتیبه تاریخی بنا با این متن است: «هذا مضجع ابن الامام زید بن الامام زین‌العابدین علی بن الامام الحسین بن علی (ع) تشرف بهذا البنا الصدر الكبير خواجه بهاء‌الدین هبة‌الله القمی فی شهر سنة سبع و اربعین و ثمانمائه». این بقعه سر در دیگری نیز، از شمال دارد که اکنون با دری بسته شده و به شکل رواقی درآمده است. بنای چهارگوشه بقعه به بلندی پیرامون هفت متر، گنبدی خوش طرح داشته که در زمستان ۱۳۵۲ قمری، تا قاعده ریخته است. مرقد امامزاده با کاشی‌کاری خشتی نو آراسته شده است. (گنجینه آثار قم، ۵۲۶/۲ - ۵۳۵، ۵۶۰؛ بناهای آرامگاهی، ص ۲۶۹).

۲. بقعه منسوب به موسی مبرقع دومین بقعه‌ای است که در ضلع شرقی صحن چهل اختران قرار دارد و به عنوان مزار موسی فرزند امام جواد (ع) معروف است. بقعه‌ای است ساده و کوتاه و تهی از تزئینات هنری که دهلیز و راهروی ورودی آن به درازای ۲۱ متر و در دو قسمت متمایز، از اواسط سده نهم هجری، برجای مانده است به گواهی کتیبه‌ای که در مقبره نخست اشاره شد، این راهرو بی‌تردید از سال ۸۵۱ قمری است. قسمت نزدیک به بقعه به شکل رواقی با درازای و پهنای ۴/۶۰ x ۱۴ و بلندی ۷ متر است که مرکب از سه طاق چشمه‌پوش به سبکی زیبا با شاه‌نشین‌هایی در شمال و جنوب و درگاهی به بقعه چهل اختران است که پیشتر کتیبه‌ای گنجبری مورخ ۸۵۱ قمری داشته و در تعمیرات ۱۳۳۵ قمری، از جای برداشته‌اند. قاعده خود بقعه، مربع مختلف الاضلاعی به دهانه ۷/۶۰ در ۷/۷۰ و ارتفاع ۹ متر است که جدار داخلی آن از جرز و بغله و اسپر، گچکاری آبی‌رنگ و فاقد کتیبه کمربندی و گلوبندی است. مدخل سابق بقعه در ضلع شرقی بوده که اکنون مسدود شده و به صورت محرابی درآمده است. در این بقعه که به نظر می‌رسد از آثار پیش از صفویه باشد، در کمرگاه و گلوگاه، دو ردیف مقرنس گچی وجود دارد که از آثار خاصه شاه طهماسب صفوی است (گنجینه آثار قم، ۵۵۴/۲ - ۵۶۰؛ بناهای آرامگاهی، ص ۲۶۹ - ۲۷۰).

۳. اصول کافی.

۴. در اصل: «سکوت».

۵. البدر المشعشع، ص ۵.

و برادرزادگان او در مشهد مقدس رضوی در کمال شوکت و حشمت ساکنند.^۱

قبر دویم:

اما قبر دویم که در بقعه موسی المبرقع واقع است، قبر محمد بن احمد بن موسی^۲ می باشد و قبر موسی و محمد که به یکدیگر متصل است، به میزان یک زرع شاه از زمین بقعه مرتفع است. روی این دو قبر از گچ بود و بقعه مشرف به خرابی بود، تا اینکه در سنه یکهزار و سیصد و سی و سه،^۳ بعضی از سادات رضوی قم، مرمت و تعمیری از آن بقعه نمودند و روی دو قبر را به خشت کاشی مزین نمودند و ضریح چوبی بر روی قبر گذاردند.

بقعه بزرگ:

اما بقعه بزرگ که در جنب بقعه کوچک واقع است که مشهور است به «بقعه چهل دختران»^۴ و بالای سر درب بقعه در

۱. مجالس المؤمنین، ۱/۴۶۱. اما افراد مورد اشاره در این کتاب عبارتند از:

یک. ابو عبدالله احمد بن محمد الاعرج بن احمد بن موسی المبرقع بن امام محمد تقی، جواد الانمّه علیه السلام و به گفته صاحب «تاریخ قم»: وی مردی سخی و کریم بوده و به دلهای مردم نزدیک و نقابت علویه، بعد از وفات ابوالقاسم علوی به او موقوف بوده و ابو عبدالله همیشه در قم رئیس و ارباب بوده است و در پنجشنبه ۱۵ صفر ۳۵۸، دیده از جهان فرو بست و چهل و شش سال داشته و در مشهد محمد بن موسی مبرقع به خاک سپرده شده است: تاریخ قم، ص ۲۱۸ - ۲۱۹؛ الاصلی، ص ۱۵۷؛ تهذیب الانساب، ص ۱۴۵؛ منتقل الطالبتی، ص ۲۵۴؛ الشجرة المباركة، ص ۸۱ معالم انساب الطالبین، ص ۱۴۷؛ لباب الانساب، ۵۸۶/۲؛ الجوهر الشفاف فی انساب السادة الاشراف، ۱/۱۶۲؛ تحفة الازهار، ۴۳۴/۳؛ سراج الانساب، ص ۷۵؛ الکوکب المشرقة، ۱/۱۹۸؛ رساله اسدی، ص ۵۳؛ شجرة طیبه، ص ۲۴-۲۸، ۳۲، ۶۳؛ مناهل الضرب، ص ۴۲۲.

دو. امیر شمس الدین محمد نقیب فرزند محمود بن محمد بن میریار بن حسن بن علی بن ابوالفتح بن عیسی ابو محمد بن جعفر بن علی بن محمد بن احمد بن موسی بن ابی عبدالله احمد نقیب قم که به سیزده واسطه، به ابو عبدالله احمد نقیب قم می رسد که در زمان سلطنت شاهرخ میرزا بن امیر تیمور گورکانی از قم به مشهد رفت و در آنجا سکونت کرد و بعد متولی آستان رضوی گردید: سراج الانساب، ص ۷۵؛ شجرة طیبه، ص ۲۷، ۲۸، ۶۲، ۶۳.

سه. سید نقیب نظام الدین میرزا ابوطالب بن سید نقیب شمس الدین میرزا محمد بن غیاث الدین عزیز نقیب بن شمس الدین محمد نقیب بن محمود بن محمد بن میریار بن حسن بن علی بن ابوالفتح بن عیسی بن ابی محمد بن جعفر بن علی بن محمد بن احمد بن موسی بن ابی عبدالله احمد نقیب قم که به ۱۸ واسطه به ابو عبدالله احمد نقیب قم می رسد. وی در مشهد سکونت داشت و مدتی حکومت ولایت تبریز را به عهده داشت و پس از مرگ، در محلی که متصل به پلکان و پایه صحن در سکویی که واسطه است بین کشیک خانه دربانها و درب صحن خیابان علیا مدفون شد: سراج الانساب، ص ۷۵؛ رساله اسدی، ص ۵۳-۵۴؛ شجرة طیبه، ص ۶۲، ۶۳، ۶۶، ۶۹.

۲. فیض در مورد بقعه موسی مبرقع و قبر محمد بن احمد بن موسی چنین نوشته است: «اما بقعه مورد نظر که مدفن دو محمد مبرقع یکی محمد بن موسی و دیگری ابوعلی محمد بن احمد بن موسی است و اشتباهاً به خود موسی مبرقع نسبت داده شده است، قاعده اش مربع مختلف الاضلاع به دهانه ۷/۶۰ در ۷/۷۰ متر و ارتفاع ۹ متر که جدار داخلش از جرز و بغله و اسپر گجکاری آبی رنگ و اکنون فاقد کتیبه کمربندی و گلوبندی است که اگر هم قبلاً داشته است، به مرور ریخته و جای آن را گچ اندود ساخته اند و مدخل سابق آن در ضلع شرقی بوده که به صورت محرابی نمودار است».

سپس اضافه می کند که: «در این بقعه که به نظر می رسد از آثار قبل از صفویه باشد، در وسط آن ضریحی است مشبک از چوب و در دل آن دو مرقد جدا از یکدیگر به فاصله ۰/۵۰ نمودار است ... ارتفاع هر مرقد ۱/۲۰ و طولش ۲ و عرضش ۱/۲۰ متر است که چهار بدنه و سطح آن آراسته به کاشی های منقش هفت رنگ مربع و در حاشیه آنها در هر بدنه کاشی های نگین نشان ۱۰ در ۲۰ سانتی متری الوان به کار رفته است و کاشی های روی هر مرقد متضمن نقشه گلدانی است با گل های افشان و بوته ها و غنچه های نمایان در حالی که دو لاله شمعی در میانه آنها قرار دارند که به کاشی های عصر قاجاریه می مانند و صحن سابق بقعه در جهت شرقی بوده که اینک مخروبه است و نقشه جدید آن در دست پیاده شدن، است. ولی صحن کنونی آن در جهت غربی است که به مساحت ۲۵ در ۲۰ متر می باشد». (گنجینه آثار قم، ۵۵۸/۲ - ۵۶۰).

۳. فیض در باره تعمیرات بقعه و رواق موسی مبرقع چنین نوشته است: «در غربی بقعه رواقی است که در سال ۱۳۳۳ قمری، از ناحیه مرحوم آقا سید محمدعلی قائم مقام مشهدی از سادات رضوی مبرقعی تعمیر، بلکه از اساس تجدید بنا شده است. این راهرو [رواق] به دو قسمت متمایز از یکدیگر منقسم می گردد، یکی کفشکن باستانی و دیگری رواقی است دارای یک گنبد در وسط و دو چشمه پوش در طرفین آن که بنایی متین و مستحکم می باشند. اما کفشکن از بناهای سال ۸۵۱ قمری است که دارای کتیبه ای مورخ به تاریخ مزبور بوده است و چه بسا در سال ۹۵۱ قمری از ناحیه شاه طهماسب صفوی از آن تزیین و تعمیری به عمل آمده باشد. اما رواق دنباله آن که قسمت دوم می شود، بنایی است مرکب از سه چشمه پوش که چشمه وسطی گنبدی است عرقچینی به ارتفاع ۷ متر و دهانه ۴/۶۰ متر و جمعاً به طول ۱۴ متر با جرزهای آجری و پوشش قوسی رومی پوش است که در دو ضلع جنوبی و شمالی گنبد وسطی دو شاه نشین ساخته شده است و از شاه نشین جنوبی دری چهار لنگه به کشیک خانه خدام باز می شود و از شمالی هم دری به گنبد چهل دختران گشوده می گشت و در جبهه آن کتیبه ای به خط ثلثی بوده است که روی آن عبارت ذیل گچبری شده بود: (این مکان قبور جمعی از سادات و امامزادگان است که در این مکان مدفون شده اند فی سنه ۸۵۱) که در تعمیرات ۱۳۳۳ قمری درب مزبور را مسدود ساخته اند و کتیبه را برداشته اند». (گنجینه آثار قم، ۵۵۴/۲ - ۵۵۶).

۴. گنبد «چهل دختران» یا «چهل دختران» از ابنیه باشکوه تاریخی و در جوار بقعه محمد بن موسی المبرقع واقع است و تاریخ بنای آن در ۹۵۰ قمری و یا به قول مؤلف ۹۵۳ قمری، شاه طهماسب آن را بنا کرده است. و کتیبه آن تا سال ۱۳۰۹ قمری که سال تألیف «تاریخ فیض» است وجود داشته که وی متن آن را نقل کرده است و بنابراین در تعمیرات قائم مقامی در سال ۱۳۳۳ قمری، آن را از بین برده اند. قاعده گنبد از داخل و خارج به صورت مربع مستطوی الاضلاع به دهانه ۱۲/۶۰ و ارتفاع ۱۴ متر است که در هر ضلعی شاه نشینی به دهانه ۳ و عرض یک متر ساخته شده است و با افزایش این عرض، مساحت

کتیبه‌ای که خطّ ثلث است و از گچ بیرون آورده شده، نوشته است: «این مکان قبور جمعی از سادات امامزادگان است که در این مکان مدفون شده‌اند و سنه هشتصد و پنجاه و یک تاریخ آن کتیبه است ولی در سنه نهصد و پنجاه و سه شاه طهماسب صفوی سقف بسیار مرتفع و بنای عالی بر سر قبور برپا داشته که اصل بقعه مربع متساوی‌الاضلاع است، هر ضلع او پانزده زرع است، بر یک سقف مرتفع بیستون آن سقف زده شده، از بناهای بسیار خوب عالی است که کمتر چنین بنایی دیده شده، بنا و معمار او استاد سلطان قمی است که از مشاهیر زمان سلاطین صفویه است و نام او در آن مکان مضبوط است و در این بقعه هفده صورت قبر است که همه بنین و بنات موسی مبرقع می‌باشند و صاحب تاریخ قم نه نفر از این هفده نفر که در این بقعه مدفون‌اند بدین ترتیب ذکر می‌کند. وی گوید: اول کسی که در این بقعه مطهره مدفون شد محمد بن موسی مبرقع بوده^۱ و صورت قبور از این قرار است:

قبر محمد بن موسی المبرقع و اول کسی که در این بقعه مطهره مدفون گردید.

قبر زوجه محمد بن موسی مبرقع دختر جعفر بن امام علی التقی الهادی علیه السلام دومی از مدفونین این بقعه است.

قبر ابوعلی محمد بن احمد بن موسی که نوه موسی مبرقع و جد سادات رضویه است.

قبر زینب بنت موسی مبرقع که به طلب پدر خود موسی از کوفه به قم آمد.

قبر فاطمه بنت محمد بن موسی المبرقع.

قبر احمد بن محمد بن موسی المبرقع.

قبر ام‌سلمه دختر محمد بن احمد بن موسی المبرقع.

قبر ام‌کلثوم بنت محمد بن احمد بن موسی المبرقع.

قبر یک نفر از دخترهای محمد بن احمد بن موسی المبرقع که نام او را نتوانستیم بخوانیم.

و چون صاحب تاریخ قم، تا آن زمان را بیشتر نبوده، به این سبب نام صاحبان آن هشت قبر را ذکر نکرده است.^۲

و مخفی نماند که محمد فرزند اکبر موسی مبرقع بلاعقب از دنیا رفته، اعقاب و ذریه طیبه موسی مبرقع از احمد بن موسی می‌باشد و جلو بقعه موسی صحن کوچکی بود، مستطیل و مسقف، در سنه یکهزار و سیصد و سی و هفت هجری قائم مقام خراسانی که به آستان‌بوسی حضرت معصومه علیها السلام تشرف حاصل کرد، صحن بزرگ و وسیعی جلو بقعه موسی بنا نمود.

فصل پنجم:

در ذکر سؤالی است که در باب ذریه موسی مبرقع سادات کشمیر از حضرت حجة الاسلام حاجی میرزا محمدحسن شیرازی نموده‌اند و جواب فرموده.

ثقة الاسلام نوری - علیه الرحمه - در ورق آخر از کتاب پدر مشعشع، می‌فرماید که این صورت سؤال و جواب مسأله‌ای است که از سرکار حجة الاسلام حاجی میرزا محمدحسن شیرازی سؤال کرده‌اند، سؤال این است:

سؤال:

سادات رضویه صحیح النسب از اهل کشمیر، سلسله خود را تا موسی المبرقع فرزند حضرت امام محمد تقی الجواد - علیه و علی آباءه الصلوة و السلام - می‌رسانند و بعضی از جهال در آنجا اشتباه در عوام انداخته‌اند که از محمد الاعرج که نوه موسی مبرقع است عقب باقی نمانده است، به سبب آن به فقرای سادات رضویه، ضرر کثی رسیده، جواب با صواب مرقوم بفرمایید.

→ داخلی گنبد بر ۱۴/۶۰ متر بالغ می‌شود. ازاره بقعه به ارتفاع ۱/۳۰ متر کاشی‌کاری فیروزه‌فام تجدیدی و بالای آن تمام جرز و بغله و اسپر آجری است که در چهار گوشه آن در ارتفاع ۴/۵۰ متری، نیم طاقی بالا آورده صورت بنا را از چهار ضلعی به هشت ترکی نامرئی تبدیل و با زدن چند رومی‌بند از مصلع به فلک‌های مبدل ساخته با طاق پوشش عرقچینی را بالا برده‌اند (گنجینه آثار قم، ۵۶۱/۲، ۵۶۳-۵۶۵).

۱. تاریخ قم، ص ۲۱۶. البته در نسخه چاپی «تاریخ قم» نوشته است اول کسی را که بدین سرای دفن کردند موسی بن محمد بن علی بن موسی بود.

۲. آنچه را از مدفونین در بقعه موسی مبرقع و یا محمد مبرقع مؤلف ذکر نموده است مطابق است با گفته‌های صاحب «تاریخ قم» و نه نفر که اسامی آنها را مؤلف ذکر کرده با نه نفری که در آن تاریخ آمده برابر است، برخلاف ادعای فیض که مدعی شده است بر این که در این گنبد تا هنگام تألیف تاریخ قم، به سال ۳۷۸ قمری، چهارده تن از سادات رضویه از خاندان موسی و جعفر و غالباً از طبقه نسون، به خاک سپرده شده‌اند که در آن تاریخ نامبردار گردیده است. اما کسانی که نام برده شده‌اند عبارتند از: ۱. ابو عبدالله احمد بن ابوعلی محمد المبرقع بن احمد بن موسی بن امام محمد تقی علیه السلام. ۲ و ۳. ابو جعفر و فخرالدین فرزندان یحیی صوفی بن جعفر بن امام علی نقی علیه السلام. ۴. سیده بریهه بنت جعفر مزبور، ۵ تا ۱۰. شش تن از دختران ابوعلی محمد بن احمد بن موسی مزبور به اسامی «سئیه»، «فاطمه»، «ام سلمه»، «ام حبیب»، «ام کلثوم» و «بریهه»، ۱۱. سیده زینب دختر موسی بن امام جواد، ۱۲ و ۱۳. ام محمد و ام حبیب دختران احمد بن موسی، ۱۴. ام‌ولد همسر ابوعلی محمد بن موسی مبرقع (گنجینه آثار قم، ۵۶۱/۲-۵۶۲) که البته این ادعا با «تاریخ قم» مطابقت ندارد (نک: تاریخ قم، ص ۲۱۶-۲۱۹).

جواب:

بسم الله الرحمن الرحيم، آنچه متفق علیه نسابین است ابقای نسل محمد اعرج است از سید احمد که مکتی است به ابو عبدالله و نقابت قم، چنانچه در کتاب عمدة الطالب^۱ و تاریخ قم است با او راجع بود و اولاد و احفاد او در بلدة قم نقابت طالبین را داشتند و از جمله اشرف اهل البيت علیهم السلام محسوب می شدند و حالات ایشان در تاریخ قم که از کتب معتمدة شیعه است معلوم می شود و از احفاد اوست سید عبیدالله بن موسی بن احمد که ترجمه او در فهرست شیخ منتجب الدین مذکور است و از جمله مشایخ شیعه بوده و اولاد او غالباً در قم و ری بودند و از آنجا به قزوین و همدان و خراسان و کشمیر و هندوستان و سایر بلاد، منتشر شدند و الآن هم در بلاد شیعه از اعظم و اعزّه طوایف سادات و اشرفانند - زاده هم الله زاداً و شرفاً - حرره الاحقر، محمد حسن الحسینی.

بقعه امامزاده زید علیه السلام^۲

این بقعه در جهت غربی صحن مطهر موسی مبرقع واقع است. از نتایج و نبایر حضرت امام زین العابدین علیه السلام است و معلوم نیست که چند پشت به امام می رسد. بقعه محقری دارد؛ مرقد مطهر مقدار یک زرع از زمین مرتفع است و روی قبر کاشی معرق است به خط ثلث بسیار ممتاز، کتیبه ای بر روی قبر مطهر نوشته شده است و این بقعه گنبدی دارد در خور اصل بقعه. بانی این عمارت از قراری که بر بالای سر درب بقعه در کتیبه ای به خط ثلث از گچ بیرون آورده اند، نوشته شده است: خواجه بهاء الدین هبة الله قمی است و سنه هشتصد و چهل و هفت، تاریخ اوست.

در ایوان این بقعه سنگی است که بر روی آن نوشته شده که این بقعه را از یک دانه گندم ساخته اند، یعنی یک دانه گندم را کاشته اند و آنچه از او به عمل آمده، او را هم کاشته اند، همچنین تا حاصل او زیاد شده، از محصول او این قبه مطهره بنا شده و این قطعه را در آنجا نوشته اند:

به یک دانه گندم ز لطف اله

تمام است گنبد به اقبال شاه

به سعی ابراهیم بن اویس

رسیده به اتمام این بارگاه

خردگفت تاریخ او را بگوی

به هفتاد و نه و نهصدش^۳ می کن نگاه

۱. عمدة الطالب، ص ۲۳۰.

۲. چنانکه در پاورقی آغاز فصل چهارم اشاره کردیم، گنبد شاهزاده زید در ضلع غربی صحن چهل اختران واقع است، اما این صحن نوینان است و صحن قدیم در جانب شرقی بقعه چهل اختران بوده است که اکنون منهدم و مخروبه شده است. مدفون در این گنبد امامزاده زید بن علی بن علی اکبر بن محمد سلیق بن عبیدالله بن محمد بن حسن بن حسن اصغر بن امام زین العابدین علیه السلام است و شاهزاده علی اکبر مدفون در بازار تجریش تهران، جد اوست و این امامزاده گویا در اوایل سده چهارم قمری رحلت یافته است. این بقعه به شهادت سبک ساختمان از بناهای قرون وسطی است که پیش از تاریخ احداث ایوان آن بنا شده است و ایوان و کفشکن بعداً به آن افزوده شده است و گنبد هم بعدها تجدید بنا شده است. به هر حال این مجموعه، در سه قرن مختلف و هر قسمتی جدای از دیگری بنا شده است. بدینگونه که بقعه در سده هفتم و ایوان در سده نهم و گنبد در سده دهم قمری. در مدخل بقعه از ایوان شرقی که دارای گچ بری و تاریخ ۸۴۸ است انحرافی محسوس است که بر الحاق آن پس از بنیان بقعه به خوبی گویاست. در میانه بقعه مرقدی است با جدار گچی تعمیری که سطح آن با کاشی کاری خشتی آراسته شده است و در بین کاشی های مزبور چهار پارچه از کاشی های قدیمی به ابعاد ۳۰٪ در ۲۰٪ سانتی متر که روی آنها به خط ثلث سفید قسمتی از آیه الکرسی نوشته شده است بدین سان: «فی السموات و ما فی الارض ... من ذا الذی یشفع عنده» و در وسط آن هم دو پارچه کاشی لوزی که زاویه حاده آنها به یکدیگر پیوسته، روی هم دیده می شوند که روی یکی نام (الله) و روی دیگری نام (محمد) به خط بنایی خواننده می شود و جلو مرقد ضریحی نیست.

خواجه بهاء الدین سازنده این بنا از وزرای ابوالمعز میرزا یوسف بن شاهرخ بن شاه بن امیر تیمور است. (گنجینه آثار قم، ۵۲۷/۲ - ۵۳۵).
۳. در اصل: «هفتاد و ششصدش» که با توجه به اینکه سازنده این بنا بهاء الدین هبة الله از وزرای ابوالمعز میرزا یوسف بن شاهرخ بن شاه بن امیر تیمور است، نمی تواند تاریخ ۶۷۰ درست باشد، بلکه این بنا در سال ۹۷۹ قمری بنا شده است.

در رواق قدیمی دو اثر هنری باستانی و یک لوحه سنگی یشمی وجود دارد که حفاظت از آنها ضروری است، این آثار عبارتند از:

۱. کتیبه ای گچ بری عمقی در بغله جز جنوب غربی و ابتدای پاتاق طاقبند به مثابه تابلوی نفیس به طول ۴۰٪ و عرض ۳۵٪ سانتی متر که روی آن به خط غیر برجسته نستعلیق زرشکی در زمینه طلایی ابیات اشاره شده توسط مؤلف بر روی آن نوشته شده است.

۲. مقرنسی گچی در چهار ردیف زیاده خوش قطار در زیر طاقچه پیش افتاده مثلث الشكل زاویه جنوب شرقی که جایگاه قرآن یا چراغ بوده است و روی آن از دوده نفت مشکی شده است.

۳. لوحی از سنگ یشم که در جبهه درگاه ورودی بقعه درون قاب سازی گچی نصب شده است و روی آن به خط ثلث برجسته عبارت: «چون داخل روضه شاهزاده زید بن امام زین العابدین علیه السلام شدی بگوی: بسم الله و بالله و علی ملة رسول الله صلی الله علیه و آله. بانی تعمیر ایوان استاد علی اکبر» (گنجینه آثار قم، ۵۳۳/۲).